

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۹۹

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۴۸-۱۲۷

اعتبارسنجی سازه‌های زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی مورد: شهرستان قلعه گنج

مهدی قربانی*؛ دانشیار گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
احمد حاج علیزاده، استادیار گروه جغرافیای انسانی، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران.
مسعود حیدروند، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی اثرات صندوق اعتبار خرد بر زیست‌پذیری خانوارهایی روستایی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای صندوق‌های خرد روستایی دهستان چاه داد خدا شهرستان قلعه گنج بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۴۶۵ نفر محاسبه شد که برای افزایش اعتبار یافته‌ها تعداد ۴۷۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری توزیع شد که در نهایت تعداد ۴۶۵ نفر پرسشنامه را تکمیل و عودت دادند و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS²⁵ و LISREL^{8.8} انجام شد. به منظور بررسی برازش مدل اندازه‌گیری سازه ابعاد زیست‌پذیری، داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد در بین شاخص‌های زیست‌پذیری شاخص‌های مشارکت و همبستگی و اشتغال و درآمد از وضعیت بهتری نسبت به دیگر شاخص‌ها برخوردارند و شاخص‌های وضعیت مسکن و امکانات و خدمات زیرساختی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. همچنین یافته‌ها نشان داد شاخص‌های نیکویی برازش مطلق (AGFI= ۰/۹۱ و AGFI= ۰/۹۲)، تطبیقی (NNFI= ۰/۹۱، CFI= ۰/۹۲) و مقتصد (۰/۷۱) = RMSEA و $\chi^2/df = ۲/۰۳۱$ برازش عالی و مناسب مدل اندازه‌گیری ابعاد زیست‌پذیری را با داده‌های مشاهده شده؛ تایید نمودند. در پایان با توجه به نتایج، پیشنهادهایی برای فعال کردن مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی با توجه به فرهنگ و شرایط جوامع مورد مطالعه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اعتبارات خرد روستایی، زیست‌پذیری، کیفیت محیطی، شهرستان قلعه گنج.

* mehghorbani@ut.ac.ir

(۱) مقدمه

امروزه این مسئله آشکار شده که لازمه رسیدن به توسعه، توجه به روستاها و بخش روستایی به عنوان بخش پایه است. با توجه به این که عمده جمعیت فقیر جهان در مناطق روستایی کشور در حال زندگی هستند (World Bank, 2008: 125). روستاها از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه ملی برخوردارند. دولت‌ها همواره از طریق سیاست‌گذاری در برنامه‌ها با اهداف مرتبط و در پی ایجاد تغییر و تحول جهت دستیابی به شرایط مطلوب زیست‌محیطی در سکونتگاه‌های انسانی هستند (NDRII, 2007). از مسایل عمده روستاها، نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مسکن روستایی است شکل مسکن روستایی با توجه به قدمت طولانی بعضی روستاها، بصورت ترکیبی از دو بافت قدیمی و جدید، کهنه و نو است که این دو بافت در کنار هم قرار گرفته‌اند (آسایش، ۱۳۸۶: ۱۲۵). از این‌رو، در ادبیات توسعه روستایی هدف عمده توسعه، بهبود کیفیت زندگی و رفاه روستاییان به ویژه بهبود زندگی اجتماعی- اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستاییان فقیر است. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف تغییر در ساخت فیزیکی روستا است (Smith, 2003: 35). بسیاری از محققان و صاحب‌نظران، حوزه فعالیت توسعه روستایی را شامل پنج بعد اساسی مدیریت منابع طبیعی، امور زیربنایی، توسعه فیزیکی روستاها، مدیریت منابع انسانی و توسعه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی است (Gibson et al., 2010: 238).

آنچه که مسلم است این که فضای روستایی برای زیست تطابق بیشتری با خلق و خوی انسان‌ها دارد اگر بتواند برای زیست امکانات کافی فراهم آورد مسلماً در جذب جمعیت و عرصه‌ی قدرت بلقوه تولیدی خود موفق عمل خواهد کرد (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۹: ۴۸). استدلال نظری و یافته‌های تجربی محققان نشان می‌دهد رفاه محل زندگی انسان، ابعاد شخصیتی و ویژگی‌های فردی انسان‌ها و معیشت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Epley et al., 2008, 287).

از این‌رو، آنچه که مسلم است این است که بافت‌های قدیمی روستاها متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری گذشته بوده است و بدیهی است که با توجه به تحول شرایط زندگی در روستاها در گذر زمان و در عرصه‌های مختلف بافت قدیمی با زندگی امروزی هماهنگی لازم را ندارد و حداقل لازم است اصلاحاتی در آن به وجود آید تا بتواند شرایط مناسب زندگی را فراهم نماید (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). با توجه به اهمیت موضوع، در سال‌های اخیر در مناطق روستایی کشور طرح‌های متعددی طراحی و اجرا شده است (برزو و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۴). اما نتایج مطالعات مختلف حاکی از آن که در عمل مناطق روستایی مختلف کشور با مشکلات متعددی رو به‌روست و در نتیجه به شکل مناسبی نتوانسته است تغییرات مثبت پیش‌بینی شده در روستاها را ایجاد نماید؛ به طوری که هنوز بیشتر شاخص‌های توسعه در روستاهای کشور در سطح مطلوبی قرار ندارد و تأثیر معنی‌داری بر معیشت زندگی روستاییان نگذاشته است (عزیزپور و حسینی‌حاصل، ۱۳۸۷).

با توجه به این شرایط امروزه رهیافت‌های گوناگونی از جمله پایداری، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نوسهرگرایی و زیست‌پذیری برای مواجهه با مسائل بالا مطرح شده است. رهیافت‌های یادشده هر چند در پرداختن به رضایت افراد، ارزیابی ساکنان از محیط، امنیت، بهداشت، کیفیت مکان، محبوبیت عمومی و سیاستگذاری، هم‌پوشانی دارند (علی اکبری و اکبری، ۱۳۹۶)؛ اغلب ریشه و مبنا متفاوت است. در این راستا، زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم پیچیده و چند بعدی و کیفی با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود می‌تواند بسیار گسترده و یا محدود باشد (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۳). به عبارتی زیست‌پذیری به سیستمی اطلاق می‌شود که در آن به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنان توجه شده است (Cities plus, 2003). زیست‌پذیری شامل یک مجموعه مرتبط از اجزای اقتصادی، فضایی و اجتماعی است که در کنارهم برای برنامه‌ریزی و توسعه الزامی است (حکیم دوست و همکاران، ۱۳۹۷). در بیشتر متون مفهوم زیست‌پذیری با کیفیت زندگی به صورت مترادف بیان شده است (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹). با این وجود کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار دارد و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (Perogordo Madrid, 2007).

به طور کلی تعاریف ارائه شده تاکنون بیشتر با توجه به اهمیت ضرورت تغییر در اولویت‌های برنامه‌ریزی، به سمت نیازهای روزافزون جامعه فراصنعتی و در جستجوی تسهیلات و کیفیت زندگی بوده است. در حالی که مفهوم زیست‌پذیری به دلیل اهمیت تهدیدکننده کیفیت زندگی رشد یافته است. عواملی مانند رشد سریع شهرنشینی، کاهش اراضی زراعی و فضاهای باز، کمبود مسکن، رشد نابرابری اجتماعی، ضعف رو به تزاید هویت محلی، مکانی و زندگی اجتماعی، تهدیدهای جدی برای زیست‌پذیری اجتماع محسوب می‌شوند (Kotkin, 2001; Inglehart, 1990).

از این‌رو، مسئله کیفیت زندگی و ایجاد سطح بالاتری از درآمد و اشتغال، از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل در مبحث توسعه روستایی محسوب می‌شود. در واقع، اگر هدف توسعه را به طور مشخص رهایی از چنگال فقر و کاهش سطح آن از طریق ایجاد اشتغال برای تهیدستان روستایی، تأمین حداقل نیازهای اساسی قابل قبول برای همه، تأکید بر اعتماد به نفس جمعی و ملی و توازن و بهبود کیفیت محیط زندگی تعریف کنیم؛ جامعه و مناطق روستایی یکی از کانون‌های مهم برای برآورده ساختن این اهداف خواهد بود و توسعه روستایی سهم بسیاری در دستیابی به اهداف کلی توسعه در سطح ملی خواهد داشت. در این میان، دهستان چاه دادخدا واقع در شهرستان قلعه گنج دارای پدیده‌های چون افت شتابان محیطی، دگرگونی بدون برنامه کاربرد زمین، کمبودهای شدید خدماتی و نیازهای پاسخ داده نشده است که از اثرات منفی مجاورت شهرها و روستاها صدمه می‌بینند را تجربه می‌کند. روستاهای این منطقه دارای ویژگی‌هایی مانند مهاجرپذیری، توسعه‌ی روستاها، آمیختگی اجتماعی و قومیتی هستند. بر این اساس، صدمات و خطرات ناشی از همجواری‌ها و شرایط نامناسب در این روستاها را می‌توان از جمله خطرهای کالبدی مربوط به سکونت در مساکن نامناسب و ناامن، نبود بهداشت محیط لازم و کافی، محرومیت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی، دانست. برآیند تمامی این مشکلات، شکل‌گیری نابرابری اقتصادی-اجتماعی،

کیفیت پایین زندگی و در نهایت افت سطح زیست‌پذیری در این روستاها است. آنچه در این تحقیق مدنظر قرار دارد، ادراک ذهنی افراد از وضعیت تأمین زیست‌پذیری خود در روستاهای مورد مطالعه است. به این معنا که برخلاف فرایندهای رایج برنامه‌ریزی که با تکیه بر استانداردها و سرانه‌ها سعی بر شناسایی نحوه و کیفیت تأمین زیست‌پذیری افراد دارند، در این جا تأکید بر پرسش از مردم و دریافت بازخورد از ایشان در مورد دیدگاهشان از نحوه و تأمین وضعیت زیست‌پذیری‌شان در جهت تبدیل روستا به محفل مناسب و مطلوب برای کار و زندگی است. بنابراین هدف از این تحقیق، بررسی اعتبارسنجی سازه‌های زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های اعتبار خرد روستایی این دهستان است.

(۲) مبانی نظری

هر انسانی فارغ از اینکه در شهر یا روستا زندگی کند، در پی دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت‌بخش است و طبیعتاً برای داشتن زندگی مطلوب، رضایت‌بخش و پرمعنی، زمینه‌ها و عواملی لازم است که انسان بتواند بر پایه آن آسایش و رفاه درازمدتی را برای خود و اجتماعش فراهم نماید (رستمعلی‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۰). این شرایط که به اعتقاد برخی از نویسندگان مترادف با "زیست‌پذیری" یا "شرایط مناسب برای زندگی" است به‌طور کلی اشاره به مجموعه‌ای از ویژگی‌های عینی دارد که یک مکان را به جایی بدل می‌سازد که مردم تمایل دارند هم اکنون و هم در آینده در آن زندگی نمایند. این انگاره به‌طور کلی مفهومی پیچیده و نسبی است. پیچیده است از آن‌رو که مسلماً عوامل متعددی در بهبود شرایط زندگی فرد و جامعه دخیل می‌باشد و نسبی است از آن‌رو که ممکن است اصول و مشخصه‌هایی که در یک جامعه به‌عنوان شرایط مطلوب برای زندگی تصور می‌گردد، از منظر دیگر و یا در بخش دیگر از دنیا همان ویژگی‌ها، به شدت نامطلوب به نظر آید (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱).

از این‌رو، در این بخش با مرور برخی از دیدگاه‌های مرتبط با جوامع زیست‌پذیر می‌کوشیم تا در ارتباط با مشخصه‌های جوامع زیست‌پذیر و به‌ویژه زیست‌پذیری روستایی به یک اجماع نظر دست یابیم. تعریف طبقات محور از زیست‌پذیری را نشان می‌دهد که ایده‌های مرتبط با این واژه می‌تواند از طریق طیفی از موفقیت‌ها درک شوند که در یکسوی این طیف نیازهای ابتدایی و مرتبط با حیات و زندگی و در سوی دیگر آن پرداختن به نیازهای لوکس و فرصت‌های متعدد در رسیدن به زندگی مطلوب قرار گرفته است (Cobb, 2000: 39). براین اساس در این قسمت سعی شده است تا با مرور برخی از این تعاریف و دیدگاه‌ها، به درک بهتری از آن دست یابیم. زیست‌پذیری به سیستمی اطلاق می‌گردد که به ارتقاء خوشبختی ذهنی، اجتماعی و فیزیکی و توسعه ساکنانش توجه دارد و اصول کلیدی آن عدالت، کرامت، دسترسی، تعامل، مشارکت و توانمندسازی است (Song, 2011, 3). انسان‌ها از همان ابتدای پیدایش جوامع و مجتمع‌های زیستی اولیه در پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی و فطری خویش سعی کرده‌اند محیط و دنیای ساخته شده خود را تحت کنترل در آورند. این کنترل، خود را به صورت نظم، الگو و تشکیل محیط انسان-ساخت منعکس نموده است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱: 128، به نقل از شوای و همکاران، ۱۳۸۴).

در این میان، نظریه زیست‌پذیری اولین بار بر مبنای بررسی آبراهام مازلو درباره نیازهای انسانی شکل گرفت. روانشناس نامی آمریکایی، آبراهام مازلو هرم نیازهای بشری را معرفی کرد. بر اساس هرم مذکور، انسان‌ها در درجه اول برای رفع احتیاجات پایه‌ای خود و سپس برای رفع نیازهای لایه‌های بالاتر تلاش می‌کنند. وینهوون به بسط نظریه فوق در حوزه مباحث کیفیت زندگی پرداخته است. به اعتقاد وی، احساس عمومی مردم، موجب پیدایش زندگی بهتری برای آن‌ها می‌شود، البته زمانی که در اجتماعات بهتر و زیست‌پذیرتری زندگی کنند. وی معتقد است کاملاً روشن نیست که دقیقاً چه اجتماعی، زیست‌پذیرتر است، اما مردم در اجتماعاتی که نیازهایشان بهتر برآورده گردد، شادتر و راضی‌تر هستند (Radcliff, 2001). در واقع، زیست‌پذیری یکی از بزرگترین ایده‌های برنامه‌ریزی در دوران معاصر است و اشاره به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه دارد و در آن به سلامت اجتماعی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه دارد.

تاکنون تعریف روشن و واحدی از مفهوم زیست‌پذیری ارائه نشده است (Leby & Hashim, 2010). در این راستا، کندی و بای معتقدند که مفهوم زیست‌پذیری با عبارتهایی نظیر: رفاه جامعه، تعریف می‌شود و معرف ویژگی‌هایی است که یک مکان را به جایی تبدیل می‌کند که همواره مردم، تمایل دارند در آن زندگی کنند (Kennedy & Buys, 2010). به اعتقاد کندی و بای این مسئله، ناشی از عدم اتفاق نظر و وجود برخی ابهامات در این زمینه است؛ اما هلن معتقد است این تفاوت آرا در میان محققین، امری عادی است؛ زیرا زمینه‌های علمی آنان با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک به تناسب نوع تخصص خود، تعریف خاصی از آن را ارائه کرده‌اند (Heylen, 2006). زیست‌پذیری در بردارنده موضوعاتی چند بعدی در ارتباط با طراحی همراه با جامعه، کاربری زمین، حفاظت از محیط‌زیست، تحرک‌پذیری و دسترسی‌پذیری، بهداشت و سلامت عمومی و رفاه اقتصادی است. بنابراین مفهوم زیست‌پذیری، به مجموعه‌ای از شرایط مورد نیاز برای زندگی مناسب افراد در یک محدوده معین، اطلاق می‌شود که موجبات آسایش، رفاه و رضایت‌مندی ساکنانش را برای مدت زمان طولانی فراهم می‌کنند (Leby & Hashim, 2010).

در این زمینه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در پژوهشی رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، ارزیابی وضعیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی را که طی ۱۰ سال اخیر به شهر تبدیل شده‌اند از طریق شاخص‌هایی نظیر مسکن، آموزش، سلامت، بهزیستی فردی، مشارکت، اطلاعات و ارتباطات، تفریح و اوقات فراغت، کار، درآمد و ثروت و کیفیت محیط امکان‌پذیر می‌دانند. جمعه‌پور (1392) در مقاله خود با عنوان تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار) چنین نتیجه‌گیری می‌کند که سطح کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در روستاها در سطح نازلی قرار دارند و افراد میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست-محیطی، به صورت معناداری، پایین ارزیابی می‌کنند. تفاوت معناداری نیز از نظر میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای واقع در منطقه تحقیق وجود داشت. در پژوهش بندرآباد (1390)، نتایج نشان داد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر شکل شهر شامل سیاست‌های مدیریت شهری، بستر طبیعی، الگوی

تاریخی، فعالیت اقتصاد شهری و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان بنیان‌های پشتیبانی‌کننده از یک شهر زیست‌پذیر شناسایی شده‌اند.

در پژوهش خراسانی (1391) که با عنوان تعیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی انجام گرفت. زیست‌پذیری را در سه بعد اقتصادی، اجتماعی زیست‌محیطی مورد مطالعه قرار داده است. بعد اقتصادی شامل اشتغال، درآمد، مسکن، حمل‌ونقل عمومی، امکانات و خدمات زیرساختی است؛ و بعد اجتماعی شامل آموزش عمومی، بهداشت، مشارکت و همبستگی، پیوستگی و تعلق مکانی، امنیت فردی و اجتماعی و تفریحات و اوقات فراغت است و در نهایت بعد زیست‌محیطی در برگیرنده فضای سبز و باز، آلودگی و چشم‌انداز است. رستمعلی‌زاده و سلیمانی (1390)، در یک مطالعه نظری گسترده مدل بهزیستی در نواحی روستایی را ارائه نمودند. ایشان در این بررسی سنجش بهزیستی روستایی را در دو سطح فردی (اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی) و اجتماعی (اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی) معرفی نموده که هر یک از این سطوح دارای معیارها و زیر معیارهای خاصی می‌باشند که در جدول ۱، به تفصیل به آنها اشاره شده است. خلاصه‌ای از نتایج برخی تحقیقات در زمینه شاخص‌ها و ابعاد زیست‌پذیری در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از نتایج برخی تحقیقات در زمینه شاخص‌ها و ابعاد زیست‌پذیری

نتایج (ابعاد و شاخص‌ها)	محقق (سال)
مسکن، آموزش، سلامت، بهزیستی فردی، مشارکت، اطلاعات و ارتباطات، تفریح و اوقات فراغت، کار، درآمد و ثروت، کیفیت محیط	رضوانی و همکاران (1388)
<p>الف - سطح فردی:</p> <p>۱- اجتماعی: میزان آموزش، رهبری، شادکامی، رضایت اجتماعی، حمایت اجتماعی، فعالیت اجتماعی، رضایت شغلی، کیفیت زندگی، قدرت خرید، اعتماد، تعلق اجتماعی، اوقات فراغت و</p> <p>۲- اقتصادی: بیکاری، اشتغال، سطح درآمد، دستیابی به آموزش عالی، سلامت مالی فردی.</p> <p>۳- بهداشتی: سلامت فردی، ارزیابی روانی و....</p> <p>ب - سطح اجتماعی:</p> <p>۱- اجتماعی: شبکه اجتماعی، مشارکت، حمایت اجتماعی، تغییرات جمعیتی، تفریح و سرگرمی.</p> <p>۲- اقتصادی: درآمد، اشتغال، سرمایه‌گذاری، بیکاری فقر</p> <p>۳- بهداشتی: رضایت از شرایط زندگی، امکانات، تراکم جمعیت، حمل و نقل، تعداد روزهای دارای هوای پاک در محل و....</p>	رستمعلی و سلیمانی (۱۳۹۰)
اشتغال و درآمد پایدار	Omuta (1988) / Lau et al (2010)/ Leby et al (2010)
مسکن مناسب	Omuta (1988)/ Visser et al (2005)
توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی	Brittne & Gu. Terri., (2009)/ Vancouver Municipality

	(2004)
ایجاد حس مشارکت و همبستگی	Holt-Jensen (2001)/ American Institute of Architects (2005)
افزایش پیوستگی و تعلق مکانی	American Institute of Architects (2010)/ Victoria & Efficiency, (2008)
کیفیت محیطی (زیست محیطی)	Wheeler (2001)/ American Institute of Architects (2005)/ Victoria Transportation Policy Institute (2009)/ Holt-Jensen (2001)/ Balsas (2004)

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع تحقیقات پیمایشی، براساس هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی، در گردآوری داده‌ها میدانی و براساس روش، از نوع علی‌ارتباطی است. جامعه آماری شامل کلیه اعضای صندوق‌های اعتباری خرد روستایی است. حجم نمونه با استفاده فرمول نمونه‌گیری کوکران محاسبه شد. برای افزایش اعتبار یافته‌ها تعداد ۴۷۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری توزیع شد که در نهایت تعداد ۴۶۵ پرسشنامه توسط آن‌ها تکمیل گردید و عودت داده شد؛ که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و به صورت تصادفی ساده افراد برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار کاربردی در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پرسشنامه بود. پرسشنامه از دو بخش تشکیل شد: بخش اول ویژگی‌های فردی، بخش دوم؛ بررسی ابعاد زیست‌پذیری (اشتغال و درآمد، مسکن، امکانات و خدمات زیرساختی، مشارکت و همبستگی، پیوستگی و تعلق مکانی و کیفیت محیطی) بود که در چارچوب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (۱- بسیار کم تا ۵- بسیار زیاد) طراحی شد. روایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای کارشناسان و اعضای هیات علمی رشته‌های ترویج و توسعه روستایی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران پس از انجام اصلاح آنان به دست آمد. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش با انجام مطالعه مقدماتی (۳۰ پرسشنامه خارج از جامعه اصلی) و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص ترکیبی سنجش ابعاد زیست‌پذیری، بدست آمد (جدول، ۲).

جدول ۲. پایایی ابعاد زیست‌پذیری دهستان چاه دادخدا

کیفیت محیطی	همبستگی و مشارکت	امکانات و خدمات زیرساختی	مسکن	اشتغال و درآمد	پیوستگی و تعلق مکانی
۰/۹۴	۰/۸۷	۰/۶۶	۰/۶۰	۰/۸۹	۰/۹۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

به منظور تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی از نرم‌افزارهای SPSS²⁵ و lisrel^{8.8} استفاده شد. بدین منظور در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم بهره‌گرفته شد.

شهرستان قلعه گنج بین ۲۷ درجه عرضی و ۵۷ درجه طول جغرافیایی قرار گرفته است، از شمال به شهرستان کهنوچ، از جنوب به بندر جاسک، از جنوب شرق به استان سیستان و بلوچستان (شهرستان های ایرانشهر و نیک شهر)، از شرق به شهرستان رودبار از غرب به منوجان محدود می‌شود. مساحت شهرستان ۱۴۲۰۰ کیلومتر مربع معادل ۳/۳ درصد از کل مساحت استان است و فاصله تا مرکز استان ۴۲۰ کیلومتر است. شهرستان قلعه گنج دارای ۲ بخش مرکزی و چاه دادخدا و ۵ دهستان به نامان دهستان رمشک، مارز، چاه دادخدا، قلعه گنج و سرخ قلعه است.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

(۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌ها شامل دو دسته توصیفی و تحلیلی است. در ابتدا ویژگی‌های توصیفی پرسشنامه را از لحاظ تعداد پاسخگویان، سن، جنس، وضعیت تاهل، گروه‌های شغلی، میزان تحصیلات و مدت اقامت و در قسمت دوم به تشریح وضعیت پاسخگویی به سوالات اصلی تحقیق در قالب مؤلفه‌های زیست‌پذیری از نظر پاسخگویان پرداخته شد.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی (جدول، ۳) اشاره دارد که در ابتدا به مقایسه بین تعداد پاسخگویان در روستاهای دهستان چاه داد خدا پرداخته شده است و در ادامه ویژگی‌های اختصاصی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. با توجه به تعداد پاسخگویی به پرسشنامه در روستاهای مختلف مشخص شد که بیشترین پاسخگویی مربوط به صولان سفلی با تعداد ۸۷ پرسشنامه و زهان و کلات مالک به ترتیب با ۳۳ و ۳۸ پرسشنامه کمترین تعداد پرسشنامه‌ی پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. تعداد روستاهای مورد مطالعه دهستان چاه دادخدا

روستا	زهان	توریگ ۳	صولان سفلی	صولان علیا	پیرکرکان	کلات مالک	چاه شاهی	چاه دادخدا	کل
فراوانی	۳۳	۷۷	۸۷	۴۱	۴۶	۳۸	۶۳	۸۰	۴۶۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از مجموع افراد مورد بررسی تنها ۲۳۷ نفر (۵۱/۷ درصد) زن بودند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که سن اعضای صندوق‌های مورد مطالعه در محدوده سنی ۱۳ تا ۷۲ سال متغیر بود (میانگین: ۳۱/۹۹۳، انحراف معیار ۱۰/۸۴ سال) و بیشتر افراد (۲۵۱ نفر) در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر از آن با ۵۴ درصد و کمترین آن‌ها (۸ نفر) در گروه سنی ۶۱ سال به بالا با ۱/۷ درصد قرار داشتند. به علاوه بر اساس درصد تجمعی (در حالت بدون دسته‌بندی گروه سنی) مشخص شد که ۶۹/۴ درصد از افراد کمتر از ۳۵ سال سن داشتند. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحقیق و مندرج در جدول (۴)، نشان می‌دهد که سواد ۳۲/۱ درصد از افراد مورد مطالعه دیپلم بوده و اکثریت جامعه آماری (۱۴۸ نفر) را به خود اختصاص داد و ۱۶/۷ درصد آن‌ها نیز دارای تحصیلات ابتدایی می‌باشند. همچنین ۱۲/۶ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۲۶/۲ درصد نیز دارای تحصیلات دیپلم بوده و تنها ۱۲/۴ درصد (۵۷ نفر) از پاسخگویان دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر می‌باشند. علاوه بر این تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مدت سکونت افراد مورد مطالعه نیز بین ۲ تا ۷۲ سال متغیر است (میانگین ۳۱/۱۴۴، انحراف معیار ۱۲/۲۴ سال).

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای در دهستان چاه دادخدا

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	۲۳۷	۵۱/۷	۵۱/۷
مرد	۲۲۱	۴۸/۳	۱۰۰
کل	۴۶۵	۱۰۰	-
گروه‌های سنی (سال)	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۳۰ و کمتر	۲۵۱	۵۴/۰	۵۴/۰
۳۱ تا ۴۰	۱۳۳	۲۸/۶	۸۲/۶
۴۱ تا ۵۰	۴۹	۱۰/۵	۹۳/۱
۵۱ تا ۶۰	۲۴	۵/۲	۹۸/۳
۶۱ به بالا	۸	۱/۷	۱۰۰/۰
کل	۴۶۵	۱۰۰	-
میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی سواد	۱۴۸	۳۲/۱	۳۲/۱
ابتدایی	۷۷	۱۶/۷	۴۸/۸
سیکل	۵۸	۱۲/۶	۶۱/۴
دیپلم	۱۲۱	۲۶/۲	۸۷/۶
فوق دیپلم و بالاتر	۵۷	۱۲/۴	۱۰۰
کل	۴۶۵	۱۰۰	-

اولویت‌بندی ابعاد زیست‌پذیری افراد مورد مطالعه ضریب تغییرات^۱

نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "درآمد مشاغل موجود در روستا افزایش یافته است" و "فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا ایجاد شده است" به ترتیب اولویت اول تا دوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تأثیر بیشتری در بعد اشتغال و درآمد زیست‌پذیری‌شان می‌باشند و در مقابل متغیرهای "امکان فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من ایجاد شده است" و "درآمد من از شغلم افزایش یافته است" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایینی قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها در اشتغال و درآمد زیست‌پذیری آن‌ها مؤثر می‌باشند. همچنین، در بعد مسکن زیست‌پذیری نیز متغیر "اطمینان خاطر من از زندگی در خانه‌ام افزایش یافته است" اولویت اول را داشت و دارای بیشترین اهمیت و تأثیر بود. در مقابل متغیرهای "تمایل دارم تعداد اتاق‌های منزل خود را افزایش دهم" و "تمایل دارم مساحت منزل خود را افزایش دهم" نیز اولویت چهارم و سوم را به خود اختصاص دادند و از اهمیت کمتری در بعد مسکن زیست‌پذیری برخوردار بودند (جدول، ۵).

طبق نتایج جدول ۵، در بعد امکانات و خدمات زیرساختی زیست‌پذیری از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "کیفیت راه دسترسی به شهر بهبود پیدا کرده است"، "فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا ایجاد شده است" و "میزان تولید محصولات زراعی و باغی در روستا افزایش یافته است" به ترتیب اولویت اول، دوم و سوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تأثیر بیشتری در بعد امکانات و خدمات زیرساختی زیست‌پذیری می‌باشند و در مقابل متغیرهای "امکان فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من ایجاد شده است" و "درآمد من از شغلم افزایش یافته است" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها مؤثر می‌باشند. در بعد مشارکت و همبستگی زیست‌پذیری از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "افزایش میزان مشارکت نوجوانان و جوانان در امور عمومی روستا" و "ارتقا روحیه کار گروهی در میان مردم روستا" به ترتیب اولویت اول و دوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تأثیر بیشتری در این بعد هستند و در مقابل متغیرهای "دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا" و "همفکری زنان مانند مردان در امور مهم روستا" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایینی قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها در مشارکت و همبستگی اهمیت دارند (جدول، ۵).

همچنین از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "افزایش میزان تمایل جوانان به زندگی و کار در روستا" و "ترجیح می‌دهم محل کارم در روستا باشد" به ترتیب اولویت اول و دوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تأثیر بیشتری در بعد پیوستگی و تعلق مکانی زیست‌پذیری می‌باشند و در مقابل متغیرهای "افزایش توجه و حساسیت مردم نسبت به حفظ منابع آب و خاک و محیط زیست روستا" و "این روستا را مناسب‌ترین مکان برای زندگی خود در منطقه می‌دانم" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها در بعد پیوستگی و تعلق

¹. Coefficient Variation

مکانی زیست‌پذیری دارای اهمیت هستند (جدول، ۵). به‌علاوه، در بعد کیفیت محیطی زیست‌پذیری نیز از نظر افراد مورد بررسی متغیرهای "کاهش میزان وقوع سیلاب در روستا و زمین‌های اطراف" و "بهبود وضعیت بهداشت محیط در روستا (دفع زباله، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های کارگاهی و مانند این‌ها)" به ترتیب اولویت اول و دوم را داشتند و نسبت به سایر متغیرها دارای تاثیر بیشتری در این بعد می‌باشند و در مقابل متغیرهای "دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا افزایش میزان آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی روستا" و "کاهش میزان تخریب آثار فرهنگی روستا، آثار تاریخی، مذهبی و ... در روستا" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند و نسبت به سایر گوئی‌ها دارای اهمیت کمتری در این بعد می‌باشند (جدول، ۵).

جدول ۵. اولویت‌بندی ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی چاه دادخدا بر حسب ضریب تغییرات

ابعاد	گوئی‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
درآمد و اشتغال	در آمد مشاغل موجود در روستا افزایش یافته است	۳/۲۱	۰/۹۶	۰/۳۰	۱
	فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا ایجاد شده است	۳/۲۰	۱/۰۲	۰/۳۲	۲
	میزان تولید محصولات زراعی و باغی در روستا افزایش یافته است	۲/۸۷	۱/۰۷	۰/۳۷	۳
	افزایش میزان سرمایه‌گذاری افراد خارج از روستا در فعالیت‌های اقتصادی مختلف روستا (کشاورزی، صنعت، گردشگری و ..)	۳/۰۴	۱/۳۴	۰/۴۴	۴
	درآمد من از شغلم افزایش یافته است	۲/۶۹	۱/۴۳	۰/۵۳	۵
	ایجاد امکان فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من	۳/۱۳	۲/۱۱	۰/۶۷	۶
مسکن	اطمینان خاطر من از زندگی در خانه ام افزایش یافته است	۳/۰۸	۰/۹۸	۰/۳۲	۱
	تمایل دارم که سیستم گرمایش و سرمایش منزل خود را ارتقا دهم	۳/۲۳	۱/۵۶	۰/۳۲	۲
	تمایل دارم مساحت منزل خود را افزایش دهم	۳/۱۶	۱/۰۴	۰/۴۹	۳
	تمایل دارم تعداد اتاق‌های منزل خود را افزایش دهم	۳/۲۴	۱/۹۰	۰/۵۹	۴
امکانات و خدمات زیرساختی	کیفیت راه دسترسی به شهر بهبود پیدا کرده است	۳/۱۵	۰/۹۸	۰/۳۱	۱
	کیفیت راه دسترسی به روستاهای اطراف بهبود پیدا کرده است	۳/۲۶	۱/۰۵	۰/۳۲	۲
	میزان قطع برق در روستا کاهش یافته است	۲/۷۹	۱/۰۷	۰/۳۸	۳
	میزان قطع و اختلال در شبکه تلفن همراه در روستا کاهش یافته است.	۲/۷۲	۱/۰۸	۰/۴۰	۴
	کیفیت آب شرب روستا بهبود یافته است	۳/۴۴	۱/۷۸	۰/۵۲	۵
مشارکت و همبستگی	کیفیت معابر و میادین روستا بهبود یافته است	۳/۰۸	۱/۶۷	۰/۵۴	۶
	افزایش میزان مشارکت نوجوانان و جوانان در امور عمومی روستا	۳/۴۶	۰/۹۳	۰/۲۷	۱
	ارتقا روحیه کار گروهی در میان مردم روستا	۳/۶۱	۱/۰۹	۰/۳۰	۲
	بهبتر شدن ارتباط مردم روستا با اعضای شورای اسلامی	۳/۳۲	۱/۰۹	۰/۳۳	۳

				و دهیار	
۴	۰/۳۹	۱/۱۸	۳/۰۶	هنگام اجرای یک پروژه عمرانی، مردم روستا به خودیاری و ارایه کمک‌های مالی اقدام می‌کنند.	
۵	۰/۵۰	۱/۵۲	۳/۰۱	همفکری زنان مانند مردان در امور مهم روستا	
۶	۰/۵۴	۱/۷۳	۳/۱۹	دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا	
۱	۰/۲۸	۰/۹۶	۳/۴۰	افزایش میزان تمایل جوانان به زندگی و کار در روستا	بهره‌سنجی و تعلق مکانی
۲	۰/۲۹	۱/۰۰	۳/۴۵	ترجیح می‌دهم محل کارم در روستا باشد.	
۳	۰/۲۹	۱/۹۶	۳/۳۲	ترجیح می‌دهم به جای شهر، اوقات فراغت خود را در روستا بگذرانم	
۴	۰/۲۹	۱/۰۰	۳/۴۶	امیدوار به بهبود شرایط زندگی و توسعه و آبادانی روستا هستم	
۵	۰/۳۱	۱/۰۲	۳/۲۷	افزایش علاقه و دل‌بستگی من به زندگی در روستا	
۶	۰/۳۲	۱/۱۲	۳/۴۴	در صورت داشتن توان سرمایه‌گذاری، در روستا سرمایه‌گذاری خواهم نمود	
۷	۰/۳۲	۱/۰۵	۳/۳۲	در صورت وجود شرایط کار و زندگی در شهر باز هم ترجیح می‌دهم در روستا زندگی کنم.	
۸	۰/۵۶	۲/۱۸	۳/۹۰	این روستا را مناسب‌ترین مکان برای زندگی خود در منطقه می‌دانم.	
۹	۰/۶۱	۲/۲۰	۳/۵۹	افزایش توجه و حساسیت مردم نسبت به حفظ منابع آب و خاک و محیط زیست روستا	
۱	۰/۳۱	۰/۹۳	۲/۹۵	کاهش میزان وقوع سیلاب در روستا و زمین‌های اطراف	
۲	۰/۳۱	۱/۰۶	۳/۳۷	بهبود وضعیت بهداشت محیط در روستا	
۳	۰/۳۴	۰/۹۸	۲/۸۶	کاهش میزان آلودگی ناشی از وقوع سیلاب در روستا	
۴	۰/۳۹	۱/۰۴	۲/۶۵	بهبود چشم‌انداز طبیعی روستا	
۵	۰/۴۳	۱/۰۶	۲/۴۵	افزایش وسعت پوشش گیاهی روستا و اطراف آن	
۶	۰/۴۴	۱/۳۲	۳/۰۲	کاهش میزان تخریب آثار فرهنگی روستا	
۷	۰/۴۷	۱/۲۳	۲/۶۱	افزایش میزان آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی روستا	

بسیار کم=۱ کم=۲ متوسط=۳ زیاد=۴ بسیار زیاد=۵ منبع: یافته‌های پژوهش،

تحلیل اهمیت مؤلفه‌های مؤثر در زیست‌پذیری اعضای مورد مطالعه

در ادامه به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به سازه "ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی دهستان چاه دادخدا"، داده‌های گردآوری شده به کمک نرم افزار لیزرل و با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این روش در پی آن است که تعیین کند؛ آیا تعداد عامل‌های اندازه‌گیری شده با آن چه بر اساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت، انطباق دارد. به عبارت دیگر، به آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین متغیرهای تشکیل‌دهنده و سازه تجربی تحقیق می‌پردازد. در این مرحله برای ارزیابی نقش شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی از روش تحلیل عاملی مرتبه‌ی دوم استفاده شد.

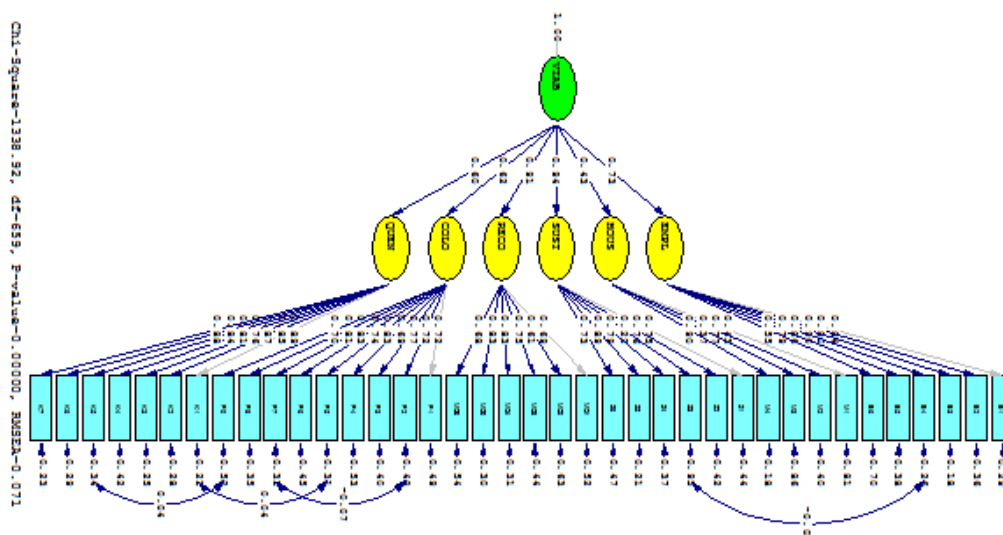
دلیل استفاده از تحلیل عاملی مرتبه‌ی دوم به نوع اثرات علی در مدل انتزاعی تحقیق مربوط می‌شود. در مدل طراحی شده می‌توان دید که ساختارهای عاملی شش‌گانه، یک ساختار عاملی مجزا را در سطح دوم تشکیل می‌دهند. براساس مدل تحقیق، این مدل در نرم افزار لیزرل پیاده‌سازی شده و مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم قابل قبولی اجرا و به دست آمد. براساس نتایج به دست آمده در جدول (۶)، مقادیر t به دست آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنی‌دار شده است. به عبارت دیگر، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که تمامی نشانگرهای انتخابی برای سنجش ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی دهستان چاه دادخدا از دقت لازم و کافی برخوردار بوده‌اند؛ از این رو می‌توان بیان کرد که شاخص‌های استفاده شده، با زیربنای نظری تحقیق تطابق قابل قبولی را نشان می‌دهند.

جدول ۶. بارهای عاملی نشانگرها و سازه‌های زیست‌پذیری (VIAB) اعضای صندوق‌های خرد روستایی در قالب مدل اندازه‌گیری

سازه	نماد در مدل	متغیرها	بار عاملی	T-Value
اشتغال و درآمد EMPL	E1	افزایش در آمد مشاغل موجود در روستا	۰/۸۴	-
	E2	ایجاد فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا	۰/۸۰	۲۰/۷۳
	E3	افزایش میزان تولید محصولات زراعی و باغی در روستا	۰/۹۰	۲۰/۳۳
	E4	افزایش میزان سرمایه‌گذاری افراد خارج از روستا در فعالیتهای اقتصادی مختلف روستا (کشاورزی، صنعت، گردشگری و ..)	۰/۸۶	۳۳/۳۷
	E5	افزایش درآمد من از شغلم	۰/۷۹	۲۰/۲۶
	E6	امکان ایجاد فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من	۰/۵۵	۱۲/۴۵
مسکن HOUS	M1	افزایش اطمینان خاطر من از زندگی در خانه ام	۰/۴۳	-
	M2	تمایل به ارتقا که سیستم گرمایش و سرمایش منزل خود	۰/۷۷	۸/۸۷
	M3	تمایل به افزایش مساحت منزل خود	۰/۳۷	۶/۱۷
	M4	تمایل به افزایش تعداد اتاق‌های منزل خود	۰/۹۰	۸/۷۴
امکانات و خدمات زیرساختی SUST	Z1	بهبود کیفیت راه دسترسی به شهر	۰/۷۵	-
	Z2	بهبود کیفیت راه دسترسی به روستاهای اطراف	۰/۷۶	۱۶/۶۸
	Z3	کاهش میزان قطع برق در روستا	۰/۲۲	۴/۶۶
	Z4	کاهش میزان قطع و اختلال در شبکه تلفن همراه در روستا	۰/۷۹	۱۷/۵۰
	Z5	بهبود کیفیت آب شرب روستا	۰/۸۹	۱۹/۹۰
Z6	بهبود کیفیت معابر و میادین روستا بهبود	۰/۷۳	۱۵/۹۴	
مشارکت و همبستگی RECO	MO1	افزایش میزان مشارکت نوجوانان و جوانان در امور عمومی روستا	۰/۶۹	-
	MO2	ارتقا روحیه کار گروهی در میان مردم روستا	۰/۶۱	۱۲/۲۴
	MO3	بهبود شدن ارتباط مردم روستا با اعضای شورای اسلامی و دهیار	۰/۷۵	۱۴/۹۳
	MO4	هنگام اجرای یک پروژه عمرانی، مردم روستا به خودیاری و آرایه کمک‌های مالی اقدام می‌کنند.	۰/۸۳	۱۶/۴۴
	MO5	همفکری زنان مانند مردان در امور مهم روستا	۰/۸۳	۱۶/۴۶
	MO6	دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا	۰/۶۸	۱۳/۵۷
پیوستگی و تعلق مکانی	P1	افزایش میزان تمایل جوانان به زندگی و کار در روستا	۰/۷۲	-
	P2	ترجیح محل کار در روستایی.	۰/۷۲	۱۴/۹۹

۱۶/۲۰	۰/۷۷	ترجیح به گذراندن اوقات فراغت خود در روستا به جای شهر	P3	COLO	
۱۴/۴۲	۰/۶۹	امیدوار به بهبود شرایط زندگی و توسعه و آبادانی روستا	P4		
۱۷/۵۳	۰/۸۳	افزایش علاقه و دلبستگی من به زندگی در روستا	P5		
۱۵/۵۱	۰/۷۴	در صورت داشتن توان سرمایه گذاری، در روستا سرمایه گذاری کردن	P6		
۱۷/۳۸	۰/۸۳	در صورت وجود شرایط کار و زندگی در شهر، باز هم ترجیح به زندگی در روستا	P7		
۱۶/۹۶	۰/۸۱	این روستا را مناسب‌ترین مکان برای زندگی خود در منطقه می‌دانم.	P8		
۱۴/۶۰	۰/۷۰	افزایش توجه و حساسیت مردم نسبت به حفظ منابع آب و خاک و محیط زیست روستا	P9		
-	۰/۸۹	کاهش میزان وقوع سیلاب در روستا و زمین‌های اطراف	K1		کیفیت محیطی QUEN
۲۵/۹۰	۰/۸۰	بهبود وضعیت بهداشت محیط در روستا (دفع زباله، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های کارگاهی و..)	K2		
۲۷/۰۵	۰/۸۷	کاهش میزان آلودگی ناشی از وقوع سیلاب در روستا	K3		
۲۱/۱۲	۰/۷۶	بهبود چشم انداز طبیعی روستا	K4		
۲۳/۶۰	۰/۸۱	افزایش وسعت پوشش گیاهی در روستا و اطراف آن	K5		
۲۵/۳۳	۰/۸۴	کاهش میزان تخریب آثار فرهنگی روستا (آثار تاریخی، مذهبی و ...)	K6		
۲۷/۶۲	۰/۸۸	افزایش میزان آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی روستا	K7		

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷)



شکل ۳. ضرایب استاندارد مدل اندازه‌گیری مؤلفه‌های زیست‌پذیری در حالت استاندارد

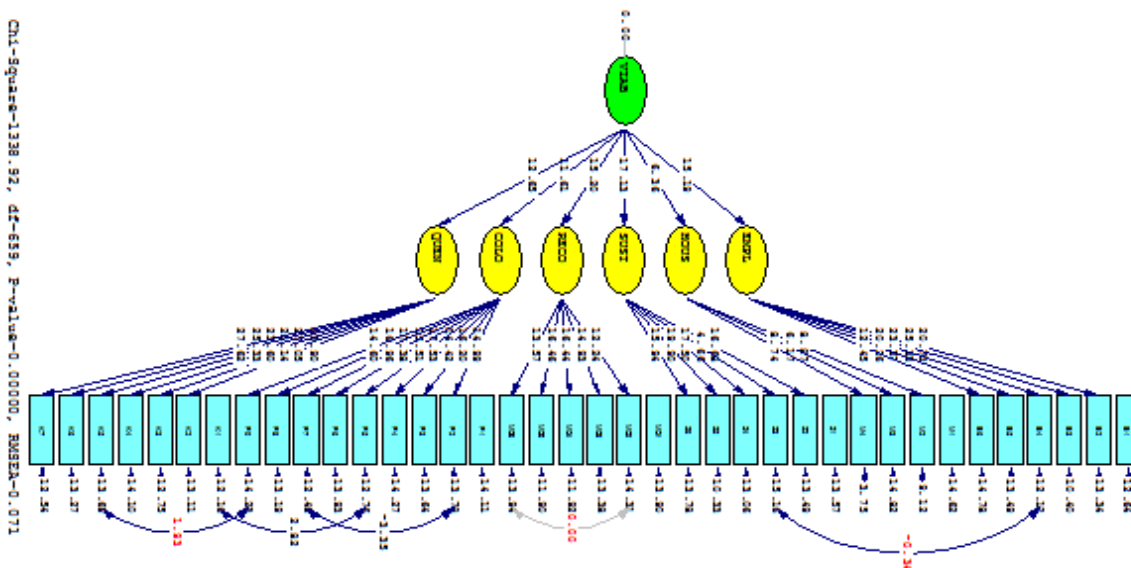
همچنین با توجه به شاخص‌های برازندگی که در جدول (۷) نشان داده شده است، می‌توان بیان کرد که مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی دهستان چاه دادخدا (شکل، ۳)، به منظور برازش روابط بین شاخص‌ها و نشانگرهای مربوط به آن‌ها معتبر و قابل قبول است.

جدول ۷. شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی

شاخص	x^2/df	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
معیار پیشنهاد شده	$3 \leq$	$0/90 \leq$	$0/90 \leq$	$0/90 \leq$	$0/90 \leq$	$0/90 \leq$	$0/08 \leq$
مقدار گزارش شده	۲/۰۳۱	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۰۷۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۷، یکی از شاخص‌های برازش مدل، شاخص میانگین ریشه مجذورات (RMSEA) می‌باشد. معیار پیشنهاد شده برای این شاخص کوچکتر یا مساوی ۰/۰۸ است. در مدل حاضر این شاخص برابر با ۰/۰۷۱ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل مورد مطالعه با داده‌های مشاهده شده است. شاخص دیگر، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی تعدیل یافته (AGFI) است. این شاخص‌ها هر چه به عدد یک نزدیکتر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است که در اینجا مقدار آن به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۱ است. همچنین نسبت خی دو به درجه آزادی ($\chi^2/df = 2/0.31$) نیز کمتر از ۳ است که نشان‌دهنده برازش عالی مدل اندازه‌گیری پژوهش با داده‌های مشاهده شده است. سایر شاخص‌های برازش نیز برازش مناسب و عالی مدل را نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که برازش کلی مدل اندازه‌گیری در وضعیت مطلوب قرار داشته و با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد. به عبارت دیگر کیفیت برازش کلی مدل اندازه‌گیری مطلوب سنجیده می‌شود. همان‌طور که مدل برازش‌شده در شکل ۴ و جدول (۶) نشان می‌دهد؛ قسمت معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی دهستان چاه دادخدا را نشان می‌دهد. چنانچه عدد معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار خواهد بود. شکل ۳، نشان می‌دهد کلیه روابط معنادار می‌باشند و تمامی فرضیات تایید می‌شوند. بر این اساس می‌توان گفت مولفه‌های زیست‌پذیری بخش قابل توجهی از سازه زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی مورد مطالعه را تبیین می‌نمایند و به ترتیب اولویت‌های اول تا ششم را در تبیین این سازه به خود اختصاص داده‌اند.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری مؤلفه‌های زیست‌پذیری در حالت معنی‌داری

در جدول (۸)، رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه‌ی اول در تشکیل سازه‌ی مرتبه‌ی دوم، همراه با مقدار t و بارهای عاملی هر یک از سازه‌ها (مقادیر ضریب گاما) نشان داده شده است. مقادیر ضریب گاما می‌توانند شدت رابطه‌ی بین عامل‌های مرتبه‌ی اول و عامل مرتبه‌ی دوم را نشان دهند. در این تحقیق براساس داده‌های میدانی در میان شش شاخص بررسی شده، عامل مشارکت و همبستگی ($\lambda = 0/94$) به

عنوان قوی‌ترین شاخص مرتبط با زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی دهستان چاه دادخدا شناسایی شده است. سایر شاخص‌های زیست‌پذیری نیز به ترتیب اهمیت و میزان ضریب تأثیر عبارتند از: اشتغال و درآمد، پیوستگی و تعلق مکانی، کیفیت محیطی، امکانات و خدمات زیرساختی و در نهایت وضعیت مسکن.

جدول ۸. رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه اول در تشکیل سازه‌ی مرتبه دوم زیست‌پذیری (VIAB) بر اساس بار عاملی

رتبه	شاخص‌های مرتبه اول	نماد در مدل	λ	T-value	sig
۱	مشارکت و همبستگی	RECO	۰/۹۴	۷/۸۷	۰/۰۱
۲	اشتغال و درآمد	EMPL	۰/۹۱	۷/۵۷	۰/۰۱
۳	پیوستگی و تعلق مکانی	COLO	۰/۷۴	۷/۱۰	۰/۰۱
۴	کیفیت محیطی	QUEN	۰/۶۳	۳/۴۲	۰/۰۱
۵	امکانات و خدمات زیرساختی	SUST	۰/۴۳	۲/۸۷	۰/۰۱
۶	مسکن	HOUS	۰/۴۰	۳/۹۲	۰/۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

(۵) نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده باید گفت که در دهه‌های اخیر، صندوق‌های اعتبار خرد روستایی در کشورهای در حال توسعه تنها به تأمین مالی و تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های روستاییان محدود نبوده، بلکه اثرگذار در ابعاد مختلف زندگی روستاییان است به این ترتیب مردان و به ویژه زنان آسیب‌پذیر روستایی به دلایلی چند از عمده گروه‌های هدف و نخستین افرادی می‌باشند که به این‌گونه اعتبارات گرایش دارند. در این میان آن‌ها از دسترسی به هرگونه امکانات محروم بوده و به دلایل فرهنگی و اجتماعی، فعالیت‌های آن‌ها محدود به خانه و روستا شده و هم‌چنین از ضریب اطمینان اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردارند؛ با وجود این همه محدودیت‌ها و چالش‌ها زنان بسیار فقیر افرادی با برنامه برای ارتقای وضعیت فرزندان و خانواده و بهبود کیفیت زندگی بوده و از آمادگی بیشتری برای اشتغال در مشاغل خانگی و کسب درآمد برخوردارند.

از سویی زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود بسیار گسترده و یا محدود باشد. از این‌رو، غفلت از مقولاتی همچون مشارکت و همبستگی، پیوستگی و تعلق مکانی روستاییان می‌تواند در عدم تحول و تحقق توسعه پایدار و تربیت نیروهای انسانی و به کارگیری صحیح توانمندی‌های بالقوه آنها در شکل‌های مختلف به ویژه صندوق اعتبارات خرد روستایی نقش مؤثری داشته باشد. بدین سبب مسئولین و دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه روستایی و بهبود زیست‌پذیری‌شان باید توجه خاصی به پرورش روستاییان خلاق، پاسخگو و دارای شبکه اجتماعی منسجم

باشند، چرا که داشتن نیروی انسانی کارآمد، انعطاف‌پذیر و پاسخگو می‌تواند منافع بسیار زیادی را برای جامعه روستایی دنبال داشته باشد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که برآزش کلی مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری در وضعیت مطلوب قرار داشته و با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد؛ به عبارت دیگر برآزش کلی مدل اندازه‌گیری تحقیق مطلوب سنجیده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه شد نتایج تحقیق نشان داد که براساس مقادیر شاخص‌های تحلیل عاملی تاییدی به‌دست آمده از داده‌های میدانی در میان شاخص‌های بررسی‌شده، عامل "مشارکت و همبستگی" ۰/۹۴ به‌عنوان قوی‌ترین شاخص مرتبط با زیست‌پذیری اعضای مورد مطالعه شناسایی شده است. بر این اساس می‌توان گفت فرهنگ مشارکت و همبستگی عاملی زیربنایی و حتی پایه و اساس سایر بسترهای ضروری برای توسعه‌ی زیست‌پذیری است که می‌تواند به واسطه‌ی انعطاف‌پذیری و درگیرکردن تمامی اعضا در تصمیم‌گیری‌های گروهی، بهبود قابلیت‌ها و توانمندسازی اعضا، اعتمادسازی و تسهیل ارتباطات فردی و گروهی و ایجاد انسجام بیشتر میان اعضای صندوق‌های خرد روستایی، نقشی اساسی در القا و تقویت روحیه‌ی نوآوری، خلاقیت و ریسک‌پذیری ایفا کند و موجب ایجاد رفتارهای کارآفرینانه در اعضا شود؛ به نحوی که تمامی اعضا کارآفرینی و حرکت به سوی آن را یکی از ارزش‌های بنیادی صندوق اعتبار خرد در نظر بگیرند و رفتارهای خود را در راستای آن تنظیم کنند و انطباق‌دهند. این یافته با نتایج تحقیق محققان ذکر شده در گذشته همخوانی دارد. محققانی چون Omuta (1988)، Lau Leby et al (2010)، رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، جمعه‌پور (1392)، بندرآباد (1390)، خراسانی (1391) و رستمعلی‌زاده و سلیمانی (۱۳۹۰) و Holt-Jensen (2001)/ American Institute of Architects (2005) نیز در مطالعات خود بر اهمیت این مولفه (مشارکت و همبستگی) در تشکیل ابعاد زیست‌پذیری تأکید زیادی داشتند.

با در نظر گرفتن نتایج تحقیق و اهمیت عامل مشارکت و همبستگی و عامل اشتغال و درآمد پیشنهاد می‌شود در این زمینه، توجه به مواردی نظیر خصیصه مثبت پذیرش ریسک، قبول شکست و اشتباه اعضا به مثابه‌ی مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر در فرایند نوآوری، پشتیبانی از ایده‌های جدید اعضا، فعال و پویا و تشویق آنها به ایده‌پردازی و ارائه فکرهای نو، بستر لازم را برای توسعه‌ی کارآفرینی در اعضای صندوق اعتبار خرد ایجاد می‌کند. همچنین توصیه می‌شود برای بهبود و ایجاد و تقویت مهارت‌های کارآفرینانه در اعضا، دوره‌های آموزش کارآفرینی به صورت مستمر برای آنان برگزار شود و سازوکارهای تشویقی مناسب برای ترغیب اعضا به شرکت در این دوره‌ها به کار گرفته شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد عامل اشتغال و درآمد با ضریب مسیر ۰/۹۱ درصد دومین سازه‌ی موثر در زیست‌پذیری می‌باشد. با نتایج تحقیق رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، رستمعلی و سلیمانی (۱۳۹۰)،

(1988) Omuta و (2010) Lau Leby et al تطابق داشت. بنابراین حمایت در تشویق زنان، دختران و مردان روستایی به توسعه مشاغل و کارآفرینی؛ سبب می‌شود که با انگیزه‌ی بیشتری به کسب و کار بپردازند. مؤلفه‌ی پیوستگی و تعلق مکانی با ضریب مسیر ۰/۷۴ بخشی از سازه مؤلفه‌های زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های اعتبار خرد روستایی را تبیین می‌نمایند و به ترتیب اولویت و اهمیت سوم را در تبیین این سازه به خود اختصاص داده‌اند. پژوهش‌های (2005) American Institute of Architects، Victoria & Efficiency (2008) و رستمعلی و سلیمانی (۱۳۹۰) نیز به اهمیت این شاخص در زیست‌پذیری دست یافتند. از لحاظ بعد کیفیت محیطی، نیز با ضریب مسیر ۰/۶۳ در اولویت و اهمیت چهارم قرار گرفت. با نتایج Wheeler (2001)/ American Institute of Architects (2005)/ Victoria & Efficiency (2004)/ Holt-Jensen (2001)/ Balsas (2004) که به اهمیت این بعد در زیست‌پذیری دست یافتند همسو است. در بعد امکانات و خدمات زیرساختی نیز با ضریب ۰/۴۳ درصد در اهمیت بعدی (پنجم) قرار گرفت. یافته‌های (2004) Vancouver Municipality، (2009) Brittnne، رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، جمعه‌پور (1392)، علیرضا بندرآباد (1390)، خراسانی (1391) و رستمعلی و سلیمانی (۱۳۹۰) در تحقیق خود آن را تأیید کردند. در نهایت وضعیت مسکن با ضریب ۰/۴۰ درصد در اولویت ششم قرار گرفت که با نتایج پژوهش ویسر و همکاران (2005) Visser et al. و اوماتا (1988) Omuta همسو است. به هر حال، همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد، صندوق اعتبارات خردی که قصد دارد کارآفرین باشد باید ساختاری پایین به بالا، ارتباطات سازمانی شفاف، مبتنی بر انجام گروهی فعالیت‌ها و انعطاف‌پذیر داشته باشد.

براساس نتایج پژوهش، به منظور ایجاد و گسترش زمینه‌هایی برای فعالیت در صندوق اعتبارات خرد روستایی با توجه به شرایط و فرهنگ جوامع روستایی مورد مطالعه پیشنهادهای در ذیل ارائه شده است:

- تدوین برنامه‌های آموزشی در دهستان با هدف ایجاد تحول در باورهای فرهنگی خانواده‌ها و جامعه‌ی روستایی نسبت به توانمندی زنان و مردان در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و گروهی و هم‌افزایی‌شان در راستای ارتقای زیست‌پذیری خود؛
- آگاهی و ارائه آموزش در حمایت از زنان و مردان شاغل و دارای صندوق‌های اعتبار خرد روستایی در خانواده و جامعه روستایی به منظور تقویت روحیه‌ی مشارکت و پیوستگی آنان در گروه‌های اجتماعی و افزایش حس اعتماد و همکاری آنان در دهستان؛
- اختصاص و ارائه تسهیلاتی از صندوق‌های اعتباری خرد در راستای ایجاد و توسعه مؤلفه‌هایی چون کیفیت زندگی، امکانات زیرساختی و بهبود مسکن روستاییان مورد مطالعه؛ و
- شناسایی و معرفی افراد موفق به عنوان الگوی نقش و به کارگیری تجارب آنان و راهبردهای نوین در راستای تقویت و توسعه مشاغل و همچنین صندوق اعتبارات خرد روستایی به منظور بهبود وضعیت زیست‌پذیری روستاییان مورد مطالعه.

تشکر و قدردانی

این مقاله با حمایت مالی پر شده توان افزایش جوامع محلی که توسط بنیاد علوی به نمایندگی از بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و با همکاری دانشگاه تهران به اجرا رسیده و تدوین گردیده است.

۶ منابع

- آسایش، حسین، (۱۳۸۶). برنامه ریزی روستایی ایران. چاپ هفتم، دانشگاه پیام نور، تهران، صص: ۱۲۵.
- برزو، غلامرضا، شاه‌حسینی، ایوب، عباسی‌زاده‌قنواقی، محمدصادق، ولی‌زاده، اقدس، باقرنسب، محمد، بهرامی، مجید، (۱۳۸۹). ارزشیابی کیفی طرح هادی در روستای کرناچی شهرستان کرمانشاه: کاربرد نظریه بنیانی. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۳، صص: ۱۵۳-۱۶۹.
- بندرآباد، علیرضا، (۱۳۹۰). شهر زیست‌پذیر. جستارهای شهرسازی. تابستان و پاییز. شماره ۳.
- جمعه‌پور، محمود و تهرانی، شهرزاد، (۱۳۹۲). تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری. (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار). فصل نامه برنامه‌ریزی کالبدی فضایی، شماره سوم، ۴۹-۶۰.
- حکیم دوست، یاسر، مرادی، محمود، رستمی، شاه‌ختی، نظری، عبدالحمید. (۱۳۹۷). تحلیل فضایی زیست‌پذیری در روستاهای مرزی هیرمند، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره چهارم، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- خراسانی، محمدامین، مطیعی‌لنگرودی، سیدحسین و رفیعیان، مجتبی، (۱۳۹۱). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی: شهرستان ورامین). نشریه پژوهش‌های روستایی، سال سوم؛ شماره چهارم، زمستان، صص ۸۵-۱۱۰.
- رستمی‌زاده، ولی‌اله و سلیمانی، مسعود، (۱۳۹۰). زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی. مجله توسعه روستایی. دور سوم. شماره ۱۶۵-۱۸۶.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، چاپ دوم، تهران، صص: ۱۵۱.
- رضوانی، محمدرضا، متکان، علی‌اکبر، منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین، (۱۳۸۸). توسعه و سنجش شاخص فصلنامه شاخص‌های کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان). مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، اصفهان، صص ۸۷-۱۱۰.
- ساسان‌پور، فرزانه، تولایی، سیمین و جعفری‌اسدآبادی، حمزه، (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دوگانه کلان‌شهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۴۲-۲۷، ۱۳۹۳.
- شاطریان، محسن، اشنویی، امین و گنجی‌پور، محمود، (۱۳۹۱). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان.
- عزیزپور، فرهاد، و حسینی‌حاصل، صدیقه، (۱۳۸۷). مروری بر روند تحولات کالبدی روستاهای کشور با تأکید بر طرح هادی روستایی. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۳، سال بیس و هفتم، صص: ۴۲-۵۵.
- علی‌اکبری، اسماعیل و اکبری، مجید، (۱۳۹۵). مدل‌سازی ساختاری-تفسیری عوامل موثر بر زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا. دوره ۲۱ بهار ۱۳۹۶ شماره ۱.

- مطیعی لنگرودی سیدحسن و یاری، ارسطو، (۱۳۸۹). **حفاظت محیط زیست و برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی روستا با تاکید بر ارزیابی طرح‌های هادی**. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. سال ۲۱، شماره ۳، صص. ۴۵-۶۰.

- American Institute of Architects (2010). **“the Road to Livability: How State Departments of Transportation are Using Road Investments to Improve Community Livability”**. AASHTO, 2010.
- American Institute of Architects (AIA). (2005). **“What Makes a Community Livable?”**, No 101, pp 10-11, 2005.
- Balsas, C.J.L., (2004). **“Measuring the Livability of an Urban Centre: An Exploratory Study of Key Performance Indicators**. Planning, Practice and Research. 19(1): pp. 101-110, 2004.
- Brittné, N.; Gu. Terri., (2009). **“going from good to great: A Livable Communiies Survey in Westchester County in New York”**. AARP, 2009.
- Cities plus (2003) **“A sustainable urban system”**. the long term plan for greater Vancouver, Canada, cities plus.
- Cobb. C. (2000). **Measuring Quality of life. 2000, the new politice of work family: and commity**. David Callahan and Stephen. B. Heintz. Eds.
- Epley, D.; Menon, M. (2008). **A method of assembling cross- sectional indicators into a community quality of life**. Social indicators research, 88(2), Pp: 281- 296 .
- Gibson, K., Cahill, A. and Mckay, D., (2010). **Rethinking the dynamics of rural transformation: performing different development pathways in a Philippine municipality**. Journal of Transactions of the Institute of British Geographers. No 35. Vol 11. Pp: 237- 255.
- Heylen, K., (2006). **“Liveability in Social Housing: Three Case studies in Flanders”**.
- Holt, J. A., (2001). **“Individual Relational Space in Deprived Urban Neighbourhoods”**. Paper Presented at ENHR conference, 25_29 June, 2001, Pultusk, Poland. <http://www.nhh.no/geo/NEHOM/publications/ENHR%20Warsawa%202001.pdf> (accessed on 5 July 2006).
- http://www.fa.wikipedia.org/wiki/مزلو_آبراهام visited at 25 March 2012.
- Inglehart, R., (1990). **“Culture Shift in Advanced Industrial Society”**. Princeton NJ: Princeton University Press.
- Kennedy, RJ, Buys, L. (2010). **Dimension of liveability: A tool for sustainable cities**. In Proceedings of SB12mad Sustainable Building Conference.
- Kotkin, J., (2001). **“The New Geography: How the Digital Revolution in Reshaping the American Landscape”**. NY: Random House Paper Backs.
- Lau, L., Jasmine & Hashim, Ahmad, H., (2010). **“Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighbourhood Residents”**. Journal of Construction in Developing Countries, Vol. 15(1), 67-91.
- Leby, J. L. & Hashim, A. H., (2010). **“Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighborhood Residents”**. Journal of Construction in Developing Countries, 12 (1), 76-31.
- NDRIL., Natural Disaster Reserch Institute of Iran. (2007). **Principles and Critercons for place making and designing of new Rural Areas**.
- Omuta, G.E.D., (1988). **“The Quality of Urban Life and the Perception of Livability: A Case study of Neighbourhoods in Benin City, Nigeria”**. Social Indicators Research, 20(4): 417-440.
- Perogordo Madrid, Daniel (2007). **The Silesia Megapolis, European Spatial Planning**, 2007.
- Radcliff, B., (2001). **“Politics, Markets and Life Satisfaction: The Political Economy of Human Happiness”**. American Political Science Review, Vol 95, No 4, pp 939-955.
- Smith, K. (2003). **Environmental Hazards**. Ebrahimmoghimi and 39-ShapourGudarzinejad. Tehran: Samt Publications, Pp: 35.

- Song yang. (2011). **A livable city study in china: using structural Equation models**. thesis submitted in statistics, department of statistics Uppsala university.
- Vancouver, M., (2004). **“City of Vancouver Community Assessment Survey”**. Executive Summary, 2004.
- Victorian, C.; Efficiency, C., (2008). **“A State of Liveability: An in Inquiry in to enhancing Victoria’s Liveability”**. Final Report. p. 10, 2008.
- Visser, P., Van Dam, F. and Hooimeijer, P., (2005). **“The influence of Neighbourhood Characteristics on Geographical Differences in House Prices in the Netherlands”**. Paper Presented at European Network for Housing Research (ENHR) International Housing Conference, 29 June–3 July 2005, Reykjavik, Iceland. <http://www.borg.hi.is/enhr2005iceland/index.php?Option=content&task=view&id=14&Itemid=37> (accessed 2 September 2006).
- Wheeler, M, (2001). **“Planning Sustainable and livability Cities”**, Stephen, 2001.
- World Bank, (2008) **World Development Report 2008: Agriculture for Development**. Washington, DC: World Bank.Pp: 125.